

معناشناسی عبارت «طول امل» در روایات

علی صفری (استادیار دانشگاه قرآن و حدیث)

safari.a@qhu.ac.ir

بهاره سادات فاطری رضوانی (دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه قرآن و حدیث)

bahareh.rezvani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۴

چکیده



فصلنامه علمی ترویجی - شماره بیست و نهم - بهار و تابستان ۱۳۹۹

آرزو و امید، عامل حرکت انسان‌ها و علت ساختن آینده است. برای ایجاد تحرک در اجتماع و پیشرفت به سوی آینده‌ای درخشان، باید امید را در دل انسان‌ها زنده نگه داشت. با وجود این در بسیاری از روایات، از آرزو و به خصوص «طول امل» نهی شده و از آن به عنوان «ضایع‌کننده عمل»، «فربد دهنده» و «از یاد برنده آخرت» یاد شده است. توجه صرف به ظاهر این روایات این دیدگاه را تقویت می‌کند که انسان نباید آرزویی برای آینده داشته باشد و برنامه‌ریزی برای زندگی بهتر، باعث فراموشی یاد خدا و قساوت قلب می‌شود. مقاله حاضر با روش توصیفی، تحلیلی و با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، ابتدا با بررسی لغوی «امل»، سپس کاوش در روایات صادره از معصومین [نشان می‌دهد که طول امل، با به فکر آینده بودن و برنامه‌ریزی کردن برای آن تفاوت دارد و به معنای طولانی دیدن عمر و دور دیدن مرگ است. که در این صورت انسان کارهای دنیوی و اخروی‌اش را به تأخیر می‌اندازد و در نهایت، آنها را ضایع می‌کند. «طول امل» و «تسویف»، تقویت‌کننده یکدیگرند. «فراموشی آخرت»، «قساوت قلب» و «خاموش شدن عقل»، از پیامدهای طول امل است.

کلیدواژه‌ها: امل، آرزو، طول امل، تسویف، روایات.

مقدمه

بشر در طول زندگی خود، همواره با «آرزو» همراه است و همین آرزو و امید است که رمز حرکت و تلاش انسان‌ها و باعث تداوم زندگی آن‌ها و ساختن آینده است. گویی انرژی انسان برای کار، تلاش، تحصیل، ازدواج، ارتباط با دیگران و ... از امید و آرزو تأمین می‌شود.

در تاریخ آمده است که عیسی بن مریم ؑ نشسته بود و پیرمردی مشغول بیل زدن بود و زمین را می‌کند. حضرت عیسی ؑ فرمود: بار خدایا از دل او آرزو را بیرون کن! پس پیرمرد بیل را یک طرف انداخت و خوابید. ساعتی گذشت. حضرت فرمود: بارالها، آرزو را به او باز گردان. پیرمرد دوباره بلند شد و شروع به کار کرد. حضرت عیسی ؑ از پیرمرد، علت را پرسید. او جواب داد: وقتی که مشغول کار بودم، نفسم به من گفت: تا کی کار می‌کنی؟ تو پیرمرد افتاده‌ای! این بود که بیل را انداختم و خوابیدم. بعد دوباره نفسم گفت: به خدا سوگند، تو تا وقتی که هستی احتیاج به زندگی داری. این بود که بیل را برداشتم و شروع به کار کردم (وژام بن ابی فراس، ۱۳۶۹: ۴۹۴).

پس برای ایجاد تحرک در اجتماع و پیشرفت به سوی آینده‌ای درخشان، باید امید را در دل انسان‌ها زنده نگه داشت. چنان که در حدیثی از امام حسن ؑ آمده است: «اعْمَلْ لِذُنُوبِكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» برای دنیای خود چنان کار کن که گویی همیشه زنده خواهی ماند و برای آخرت خود چنان کار کن که گویی فردا خواهی مرد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۱۵۶).

رهبر معظم انقلاب نیز در تبیین اهمیت آرمان‌گرایی می‌فرماید: «آرمان‌گرایی عین عقلانیت است. زیرا اگر ملتی بدون آرمان شود، از درون تهی و پوچ خواهد شد. آنچه که موجب شوق به پیشرفت و حرکت در ملت‌ها می‌شود، آرمان‌ها هستند و هرچه این آرمان‌ها والاتر، مجرب‌تر و نورانی‌تر باشند، حرکت صحیح‌تر خواهد بود.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵: در دیدار با فرماندهان سپاه)

اما از سویی دیگر، در بسیاری از روایات و بعضی از آیات قرآن کریم، از آرزو و به خصوص «طول‌امل» نهی شده و از آن به عنوان یکی از بزرگترین رذایل اخلاقی، «ضایع‌کننده عمل»



حزّانی، ۱۴۰۴: ۳۹۹).^{۴۲} «فریب دهنده»^{۴۳} و «از یاد برنده آخرت» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۸ / ۸)^{۴۴} یاد شده است.

پس از تأمل در این آیات و روایات، سؤالی که ذهن را مشغول می‌کند این است که آرزوی دراز یا «طول امل» چیست؟ اگر آرزوی انسان متعلق به امور حرام باشد، آرزوی کوتاه و آرزوی طولانی، هر دو نکوهیده است و اگر متعلق به امور مباح باشد، چه اشکالی دارد که انسان آرزوی طولانی در آن داشته باشد؟ مثل اینکه برای چند سال آینده برنامه‌ریزی کند یا برای رسیدن جامعه به هدفی، حتی مادی، نقشه راهی در نظر بگیرد. آیا این کار از مصادیق طول امل است؟ آیا در امور معنوی و روحانی نیز آرزوی طولانی سرزنش شده است؟

با بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، این نتیجه حاصل شد که «طول امل» در هیچ کدام از آنها به طور کامل تبیین نشده است. تقریباً در همه تحقیقات انجام شده، «طول امل»، آرزوی دراز دنیایی معرفی شده است. در این پژوهش سعی بر این است که ابتدا مفهوم «امل» و «طول امل» و برخی مفاهیم مشابه و مرتبط با آن مانند «رجا»، «امنیة» و «طمع» روشن شود. سپس روایات مختلفی درباره طول امل بررسی خواهد شد تا مفهوم واقعی این عبارت مشخص شود. در این تحقیق به نرم افزارهای روایی و قرآنی، کتاب‌های معتبر روایی و اخلاقی و برخی مقالات مرتبط، رجوع شده است.

۱- تبیین مفهوم امل

۱-۱- مفهوم‌شناسی امل در لغت

ابن جنّی لغوی مشهور عرب، ازهری در «تهذیب اللّغة» (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۵ / ۲۸۴)، خلیل بن احمد در «کتاب العین» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۳۴۷)، صاحب در «المحیط فی اللّغة» (ابن عبّاد، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۳۸۵)، جوهری در «صحاح» (جوهری، ۱۳۷۶: ۴ / ۱۶۲۷) و برخی دیگر از اهل

^{۴۲}. مَنْ طَالَ أَمَلُهُ سَاءَ عَمَلُهُ.

^{۴۳}. نك: ﴿يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَ لِكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ غَرَّتْكُمْ الْأُمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ (حدید: ۱۴) و ﴿ذُرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يُلْهِبُهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (حجر: ۳).

^{۴۴}. أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَجْرَةَ.

لغت، «أملن را هم معنی «رجاء» معرفی کرده‌اند. صاحب «الفروق فی اللّغة» نیز «أملن را رجای مستمر می‌داند. در عین حال، «رجاء» را آرزوی امر نیکو معرفی می‌کند (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۴۰).

ابن فارس برای لغت «أمل» دو ریشه آورده است؛ که یکی به معنی «تثبت و انتظار» است و دیگر معنای ذکر شده برای این ریشه «حبل من الرمل» است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۱۴۰). از نظر او «أمل»، امیدی است که در آن مقداری انتظار وجود دارد (همان). صاحب «مصباح المنیر» معتقد است که «أمل» برای چیزی به کار می‌رود که دستیابی به آن دور باشد (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۲۲). در «تاج العروس» نیز «أمل»، انتظار دستیابی به امری دور دست توصیف شده است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۰/۱۴).

۲-۱- مفهوم شناسی رجاء در لغت

همان‌طور که ذکر شد برخی از اهل لغت، «رجاء» را همان «أمل» معرفی کرده‌اند. اما برخی دیگر، تفاوت‌هایی بین «أمل» و «رجاء» قائل شده‌اند. در «الفروق فی اللّغة» «رجاء»، گمان (نه یقین) به وقوع امر نیکویی است که صاحب آن در شکل‌گیری آن تردید دارد (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۳۹).^{۴۰} فیومی در «مصباح المنیر» می‌گوید: «أملته» یعنی انتظار آن را دارم (تَرْقِبْتُهُ) و به آنچه در قلب انسان در دست‌یافتن به امر نیکو شکل گرفته، «أمل» گفته می‌شود و معمولاً «أملن» درباره چیزی به کار می‌رود که دستیابی به آن بعید است. کسی که تصمیم داشته باشد به شهری دوردست سفر کند، می‌گوید: «أملتُ الوصول» و نمی‌گوید: «طمعتُ»، مگر اینکه به شهر نزدیک شده باشد.

پس «طمع» فقط درباره چیزی به کار می‌رود که دستیابی به آن نزدیک است و «رجاء» بین «أمل» و «طمع» قرار دارد. چرا که فرد امیدوار (راجی) گاه می‌ترسد که به آرزوی خود نرسد و اگر این ترس شدت یابد، «رجاء» هم معنای «أمل» می‌شود. زیرا دست‌یافتن به آن بعید می‌شود. و اگر شدت این ترس، کاهش یابد، هم‌معنای «طمع» می‌شود (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۲۲). همچنین «رجاء»، امید داشتن به چیزی است که سببی برای آن هست. مثلاً امید به خیر از کسی به خاطر

^{۴۰} أن الرجاء هو الظن بوقوع الخير الذي يعترى صاحبه الشك فيه إلا أن ظنه فيه أغلب و ليس هو من قبيل العلم.

گرم او (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۳۹). پس «رجاء»، همان امید به پیش آمدن امری نیکوست که حالتی ممدوح است. اگر «رجاء» حقیقتاً در انسان باشد، خوف هم همراه اوست. خوف از به وقوع نپیوستن آن امر.

۳-۱- مفهوم‌شناسی دیگر لغات نزدیک به امل

«طمع» و «منی» و «أمانی» دیگر لغاتی هستند که به نظر می‌رسد، مفهومی شبیه «أمل» داشته باشند. تجمیع نظر لغویون ما را به این نتیجه می‌رساند که «طمع»، تمایل نفس به چیزی از روی آرزوی شدید و آزمندی و بیشتر به خاطر میل و هوای درونی است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۴۲۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲/۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۴).

در «فروق اللّغة» نیز تأکید شده که «طمع»، امید داشتن به چیزی بدون وجود سبب است. از این روست که طمع مذموم است. ولی «رجاء» نکوهش نشده است (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۴۰). مفهوم دیگری که بسیار به مفهوم «أمل» نزدیک است، «منی» و «أمانی» است. از نظر اهل لغت، «تمنی» یا آرزوها غالباً تصوراتی هستند که حقیقتی برای آنها نیست (ابن عبّاد، ۱۴۱۴: ۱۰/۴۱۶؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۶/۲۴۹۸؛ آزه‌ری، ۱۴۲۱: ۱۵/۳۸۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۵۹).

تهاونی نیز تقریباً همین معنا را تأیید می‌کند. از نظر او در «تمنی»، وجود آنچه تمنی می‌شود شرط نیست و موضوع مورد تمنی می‌تواند ممکن یا حتی محال باشد. اما در «ترجی»، وجود موضوع مورد رجاء شرط است (تهانوی، ۱۹۹۶: ۱/۴۱۵).

۴-۱- جمع بندی نظر اهل لغت

با توجه به آنچه گفته شد، امر نیکو، دوردست بودن، گمان و انتظار برای دستیابی، از مؤلفه‌های اصلی «أمل» هستند و به طور خلاصه می‌توان «أمل» را اینگونه تعریف کرد: «انتظار دست یافتن به امری نیکو و دور دست». هر چه، آنچه مورد انتظار است نزدیک‌تر و دست یافتنی‌تر باشد، «أمل» به «رجاء» نزدیکتر است.

در جمع بندی معانی مربوط به «مُنِيَّة»، این نتیجه به دست می‌آید که «تمنی»، تعیین یا تصوّر امری مورد علاقه است که ممکن یا محال و بیشتر بر پایه گمان است. بنابراین «مُنِيَّة» از لحاظ زمانی و آنچه در برمی‌گیرد، از «أمل» گسترده‌تر است. چنان‌که «أمل» متعلق به امور آینده است

ولی «تمنی» گذشته و آینده را دربرمی‌گیرد. در عین حال، «أمل» به محالات تعلق نمی‌گیرد ولی «تمنی» می‌تواند بر محالات نیز تعلق گیرد.

۲-أمل در روایات

با جستجو در منابع حدیثی، روایات بسیاری را می‌توان یافت که در آن مشتقات مختلف «أمل» به کار رفته است. در بین این روایات، مواردی یافت می‌شود که «طمع» و «رجاء» در کنار مشتقات «أمل» به کار رفته است. با نگاهی عمیق به این روایات می‌توان دریافت که «طمع»، «رجاء» و «أمل»، سه مفهوم کاملاً مجزا، اما مرتبط با هم هستند و تنها گاهی در معنی یکدیگر به کار رفته‌اند.

کاوشی در روایات صادره درباره «أمل» نشان می‌دهد که از این منظر، «أمل»، امری خنثی است و با توجه به آنچه به آن تعلق می‌گیرد و تعیینی که به نفس می‌دهد، ممدوح یا مذموم است. گرچه تعداد روایاتی که «أمل» را نکوهش می‌کنند، بیش از روایاتی است که آن را نیکو می‌شمرد. شاید بتوان گفت آن کثرت و این قلت به دلیل این است که بشر، اکثر آرزوهای خود را در افق کوتاه دنیا قرار داده و از آن فراتر نرفته است و بُعد روحانی خود را به فراموشی سپرده است. از این رو این آرزوها شایسته ذم هستند.

۲-۱- اقسام أمل

با توجه به آنچه گفته شد و آنچه از روایات به دست می‌آید، آرزو بر دو گونه است: «آرزوی پسندیده» و «آرزوی نکوهیده».

۲-۱-۱- أمل پسندیده

آرزویی که انسان را به اوج برساند، او را در زندگی مادی و معنوی به حرکتی در راستای رضای خداوند وادارد و پیشرفت دهد؛ او را از آخرت غافل نکند و رسیدن به آن مستلزم وابستگی به دنیا و ظلم به خود و دیگران نباشد، آرزویی پسندیده است. خواه این آرزو کوتاه باشد، خواه بلند و طولانی. چه بسا همین آرزوهای بلند و آرمان‌های والاست که ملتی را به حرکت درمی‌آورد و آنها را رشد می‌دهد و همین تلاش برای رسیدن به آرمان‌ها، درهای خیر و برکت الهی را به روی آنها می‌گشاید. حتی بدون در نظر گرفتن جنبه معنوی، بسیاری از اختراعات و اکتشافات بشری و پیشرفت‌های مادی نیز با نیروی محرکه همین آرزوها به وجود آمده‌اند.

در حدیث زیبایی پیامبر رحمت ﷺ می‌فرمایند: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَلَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَلَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا» (دیلمی، ۱۴۰۸: ۲۹۵)، آرزو برای امت من رحمت است و اگر آرزو نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت.

گاهی انسان آرزو می‌کند که عمری طولانی داشته باشد تا کاری خیر از قبیل تألیف کتاب مفید یا سعی در تعلیم و اصلاح خود و جامعه و یا راه‌اندازی مؤسسه مفیدی را به پایان برسد. دیده‌ایم عالمان والامقامی که همیشه آرزو می‌کنند که خداوند به آنها عمر بدهد که بتوانند کار مهمی را که آغاز کرده‌اند به انجام برسانند.

مسلم این است که اگر آنچه مورد آرزو است، مقدس و عالی باشد، هر اندازه احتیاج به طول مدت داشته باشد مذموم نیست و مشمول طول امل نمی‌شود. زیرا کسی که مثلاً هدفش اصلاح اجتماع است، از طرفی نقشه و زمان می‌خواهد و از طرف دیگر توسعه، تقسیم کار و ... ولی همه آنها به منزله مواد مرکبی هستند که آن هدف عالی صورت آنهاست. چنان‌که در حدیث آمده است: «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۱۵۶).

آرزوهای ممدوح، گاه چنان اوج می‌گیرند و تمام زواید و پیرایه‌ها را کنار می‌زنند که انسان جز خداوند، چیزی را نمی‌بیند و تمام آرزوی خود را در او خلاصه می‌کند. چنان‌که امام سجاد ﷺ خطاب به معبود خویش می‌فرماید: «فَأَخِيهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يَا أَمَلِي وَبُعَيْتِي وَيَا سُؤْلِي وَمُنْيَتِي» (مجلسی، ۱۴۲۳: ۴۰۶)، پس دلم را زنده کن به توبه‌ای از جانب خودت، ای آرزویم و مطلوبم و ای خواسته من و آرزوی قلبی‌ام.

از این قبیل تعابیر در دعاهای دیگر نیز آمده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۲/۶۹۵؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۱/۳۹۶). همچنین در برخی روایات، از «امل» به عنوان یکی از القاب امام زمان ﷺ نام برده شده است (خصیبی، ۱۴۱۹: ۳۲۸).

۲-۱-۲- امل نکوهیده

اغلب، انسان بعد روحانی خویش را فراموش می‌کند و آرزوهایی را در دل می‌پروراند که او را از رسیدن به هدف خلقتش باز می‌دارد و یا برای رسیدن به آن باید حق دیگران را زیر پا بگذارد. مسلم است که چنین آرزوهایی از منظر عقل و دین، نکوهیده و مذموم است. آرزوهایی از این

دست، چه کوتاه و زودگذر باشند، چه طولانی، انسان را در عالم تنگ دنیا اسیر می‌کند و هر چه این آرزوهای پوچ؛ طولانی‌تر باشند، قلب و فکر انسان را بیشتر از حرکت باز می‌دارند.

پیامبر اکرم ﷺ این خطر بزرگ را به همه افراد جامعه اسلامی گوشزد کرده، می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خَلْتَانِ اتَّبَعَ الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ أَمَّا اتَّبَعَ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَرَحَّلَتْ مُدْبِرَةً وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ تَرَحَّلَتْ مُقْبِلَةً» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۸/۸).^{۴۶} همانا از دو خصلت بر شما هراسانم: پیروی از هوای نفس و آرزوی طولانی. اما پیروی از هوای نفس از حق باز می‌درد، و اما آرزوی دراز، آخرت را در طاق نسیان می‌نهد. همانا دنیا، پشت‌کنان، کوچ کرده و می‌رود و آخرت، کوچ کرده و به سوی ما می‌آید.

نگاهی به این روایت و بسیاری از روایات دیگر، نشان می‌دهد که آنچه در روایات از آن نهی شده «طول‌أمل» است و در مواردی هم که به جای این عبارت، «أمل» به تنهایی به کار رفته و از آن نهی شده باز هم همین معنا در نظر بوده است. اکنون با توجه به آنچه گفته شد، این سؤال پیش می‌آید که «طول‌أمل» که پیامبر ما ﷺ را از آن برحذر داشته‌اند، به چه معناست؟

۳-۱-۲ طول‌أمل

امیرالمؤمنین ﷺ در روایتی در نهی از آرزوی دراز می‌فرماید: «أَلَا يَلْهَيْنَكُمْ الْأَمَلُ وَلَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ الْأَجَلُ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَمَدُ أَمَلِهِمْ وَتَغْطِيَةُ الْأَجَالِ عَنْهُمْ، حَتَّى نَزَلَ بِهِمُ الْمَوْعُودُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸۹/۸)، مبادا آرزوی بی‌جا شما را از توجه به آنچه برایتان لازم و مهم است، بازدارد و مبادا عمر خود را دراز بشمارید (و کار خود را به تأخیر اندازید). زیرا همانا آنان را که پیش از شما بودند آرزوی دراز و سرپوش گذاردن بر هنگام مرگ، به هلاکت رسانید تا آنکه مرگشان در رسید.

در این کلام، از آرزو و دور دیدن مرگ و دراز پنداشتن عمر، به طور اکید نهی شده است. به خوبی روشن است که اگر انسان عمر خود را طولانی بشمرد و مرگ را دور ببیند، کارهای مهم و اساسی را عقب می‌اندازد و آنقدر سرگرم دنیا می‌شود که ناگهان مرگ فرا می‌رسد و فرصت انجام هر کاری را از او می‌گیرد.

^{۴۶}. این حدیث با اندکی تغییر از امیرالمؤمنین ﷺ نیز نقل شده است.

کسی که فکر می‌کند فرصت دارد و لازم نیست برای انجام کارهایش؛ کمر همت ببندد و کارهایش را با همین فریب نفس، به تأخیر می‌اندازد، معمولاً نمی‌تواند آنها را به طور کامل انجام دهد و به نتیجه برساند. فرقی نمی‌کند که این امور، مادی باشند یا معنوی.

امیرالمؤمنین [در همین رابطه می‌فرماید: «مَا أَطَالَ أَحَدُ الْأَمَلِ إِلَّا نَسِيَ الْأَجَلَ فَأَسَاءَ الْعَمَلَ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۷۹)، کسی آرزوی خود را طولانی نکرد، مگر اینکه اجل و مرگ را فراموش کرد و عملش بد و ضایع شد. این حدیث شریف نیز بر این نکته صحه می‌گذارد که آرزوی طولانی و دور دیدن مرگ، عمل انسان را خراب می‌کند و هر چه آرزوی انسان طولانی‌تر و دور دیدن مرگ بیشتر باشد، عملش بدتر خواهد بود^{۴۷} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۹۶).

از سوی دیگر هر چه فرد تصور کند که فرصت فراوان است، کمتر به عمل مشغول می‌شود. خواه عمل، دنیایی باشد، خواه آخرتی^{۴۸} (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۷۵).

پیامبر اعظم [در توصیه به ابن مسعود، به اینکه آدمی باید فرصت را کوتاه بشمرد و عزم خود را برای به ثمر رساندن کارها و سر و سامان دادن امور خود جزم کند و آماده مرگ باشد، اشاره کرده، می‌فرماید: «قَصَّرَ أَمَلَكَ فَإِذَا أَصْبَحْتَ فَقُلْ إِنِّي لَا أُمْسِي وَإِذَا أُمْسَيْتَ فَقُلْ إِنِّي لَا أُصْبِحُ وَأَعِزُّمْ عَلَيَّ مَفَارِقَةَ الدُّنْيَا وَأَحِبَّ لِقَاءَ اللَّهِ» (نوری، ۱۴۰۸: ۱/۲)، آرزوها را کوتاه کن و چون صبح شود بگو من امروز را به شب نخواهم آورد و چون شب شود بگو فردا زنده نخواهم بود، و بر مفارقت دنیا تصمیم و اراده داشته باش و دل به لقاء حق ببند.

دقت در این کلام نورانی به خوبی نشان می‌دهد که منظور از کوتاه کردن آرزو، دور ندیدن مرگ و کوتاه دیدن فرصت است و این منافاتی با دست زدن به کارهای بزرگ و طولانی مدت ندارد. چه، انسان وقتی همیشه به خود خاطر نشان کند که فرصت کم است، کارهایش را با دقت و سرعت بیشتری انجام خواهد داد و از اتلاف وقت، سخت‌گیران خواهد شد.

حضرت زین العابدین [نیز در مناجاتی پرمغز به زیبایی معنی «طول أمل» و «قصر أمل» را متذکر می‌شوند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ حَتَّى لَا نُؤَمَّلَ اسْتِثْمَامَ سَاعَةٍ بَعْدَ سَاعَةٍ، وَلَا اسْتِيفَاءَ يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ، وَلَا اتِّصَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ، وَلَا لِحُوقِ

^{۴۷}. أَطْوَلُ النَّاسِ أَمَلًا أَسْوَأُهُمْ عَمَلًا.

^{۴۸}. مَا أَطَالَ أَحَدُ الْأَمَلِ إِلَّا قَصَّرَ فِي الْعَمَلِ.

قَدَمِ بَقْدَمٍ وَسَلَّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ، وَأَمِنَّا مِنْ شُرُورِهِ، وَأَنْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَضْبًا، وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِيْبًا» (علی بن الحسین ۱۳۷۶: دعای چهلم): خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را از آرزوهای دور و دراز در امان دار و به صدق عمل آرزوهای ما را کوتاه کن. آن سان که ما را آرزوی آن نباشد که به سر آوریم ساعتی را پس از ساعت دیگر و به پایان بریم روزی را پس از روز دیگر و بییونیم نفسی را به نفس دیگر و برداریم گامی را از پی گام دیگر. خداوندا! ما را از فریب آرزوها به سلامت دار و از شرّ و فساد آنان ایمنی بخش و مرگ را در برابر ما بدار و روزی مباد که از یاد مرگ غافل باشیم.

طبق فرمایش حضرت سجاد ۱۱ «طول أمل» آن است که انسان حتی نفسی بعد از نفسی و قدمی بعد از قدمی را آرزو داشته باشد و مطمئن باشد که مرگ در این فاصله او را در نمی‌یابد. و «قصر أمل»، خلاف این است.

همین حقیقت از کلام امیرالمؤمنین ۱۱ نیز نمودار است. آنجا که می‌فرماید: «مَا أَنْزَلَ الْمَوْتَ حَقَّ مَنْزِلَتِهِ مَنْ عَدَّ غَدًا مِنْ أَجَلِهِ؛ مَا أَطَالَ عَبْدٌ الْأَمَلَ إِلَّا أَسَاءَ الْعَمَلَ وَلَوْ رَأَى الْعَبْدُ أَجَلَهُ وَسُرْعَتَهُ إِلَيْهِ لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَطَلَبَ الدُّنْيَا» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲: ۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۶/۷۳؛ نوری، ۱۴۰۸: ۸۸/۱)، هر کس فردا را از عمر خود حساب کند، حقیقت مرگ را در نیافته است. هیچ بنده‌ای آرزوی خود را طولانی نکرد، مگر اینکه عملش را تباه کرد و اگر بنده مرگ خود و سرعت او به سمت خود را ببیند؛ آرزوهای خود را ترک می‌کند و طلب دنیا را مبعوض می‌شمارد. پس انسانی که مرگ را دور می‌انگارد و فرصت را زیاد می‌شمرد، آرزویش طولانی است و همین تباه کننده عمل اوست. در ادامه همین معنی، رسول خدا ۱۱ می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يَأْمَلُ أَنْ يُعِيشَ غَدًا فَإِنَّهُ يَأْمَلُ أَنْ يُعِيشَ أَبَدًا» (دیلمی، ۱۴۰۸: ۱۷۴)، هر کس آرزو کند که فردا را زنده باشد و زندگی کند، پس آرزو دارد تا ابد زنده باشد.

در «شرح نهج البلاغة» آیت الله خویی آمده است که روزی دو تن از عبادالله با یکدیگر سخن می‌گفتند. یکی از آنها به دیگری گفت: کوتاهی آرزوی تو چه قدر است؟ او پاسخ داد: به قدری که هنگامی که صبح می‌کنم، آرزوی رسیدن به شب را ندارم و شبانگاه نمی‌دانم که به صبح می‌رسم یا نه. سؤال کننده گفت: تو طول أمل داری. من هنگامی که نفس می‌کشم، نمی‌دانم که آیا آن نفس خارج می‌شود یا نه و هنگامی که نفسی خارج شد، آرزوی نفس بعدی را ندارم (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۴/۲۰۴).



از مجموع این احادیث برمی آید که آنچه مذموم است، آرزوی زیاد زنده ماندن است؛ نه آرزوی اموری که مستلزم طول عمر است. و مقصود از آن، این است که آدمی همیشه چنین فرض کند و عملاً چنین رفتار کند که وقت برای کارهای لازم هنوز باقی است؛ که از آن می شود به اصل «دیر نمی شود» تعبیر کرد. مثلاً انسان می داند که باید ملکات عالیهای را تحصیل کند و یا ایمانش را به حدّ یقین برساند و مستعد مرگ شود. باید دیون الهی و مردمی را ادا کند. باید توبه کند. باید از خودش کار خیر و باقیات الصالحاتی بگذارد و ... می داند که همه اینها کارهای لازمی است و آدمی دوبار به این دنیا نمی آید و فرصت سلامت و جوانی و عمر را باید مغتنم شمرد^{۴۹} (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۶)، ولی به پیروی از اصل «دیر نمی شود» و وقت هنوز باقی است، فرصت را از دست بدهد و تأخیر کند. این است که مذموم و ممنوع و بلکه حرام است.

دستورهای مذمت «طول امل»، همه متوجه این معنی است که برای انجام کارهای واجب و لازم، فرض اینکه دیر نمی شود و آینده هم متعلق به ماست، کذب و آرزویی دروغ است. از این نظر باید احتمال نیامدن فردا یا فراغت نداشتن در فردا یا سالم نبودن فردا و ... را بر احتمال خلاف اینها مقدم دانست. مولی صالح مازندرانی در «شرح کافی»، «طول امل» را میل قلب به بقا معرفی می کند (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۹/۳۵۴).

یکی از خصوصیات آنی که برای قوم یهود در قرآن ذکر شده است، همین حرص و علاقه وافر آنها به ماندن در دنیا است. چنانکه گویی هرکدام از آنها دوست دارند، هزار سال عمر کنند و این همان مصداق طول امل است: ﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يَعْمُرَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ (بقره: ۹۶).

از نگاه علامه مجلسی «تطویل امل»، فراموشی مرگ و دور دانستن آن است و اینکه انسان گمان کند عمرش طولانی است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰/۲۹۳).

صاحب «ریاض السالکین» نیز «طول امل» را توقع طولانی شدن مدت عمر یا به تأخیر انداختن کارها می داند (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ۴/۳۱۸) و معتقد است که توقع طول عمر

^{۴۹}. اشاره به حدیث: اَعْتَبْتُمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ: سَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سُقْمِكَ، وَغَنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ، وَفَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ، وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ.

داشتن و مرگ را دور دیدن، مانع مشغول شدن انسان به اعمال صالح و قیام به وظایف و طاعات می‌شود (همان: ۴۵۶/۵).

حضرت علی [مرگ را در برابر دیدگان آدمی قرار می‌دهد و از غره شدن به آرزوها و دور دانستن مرگ و زیاد دانستن فرصت می‌هراساند: «فَأَرْمِعُوا بِالرَّجِيلِ عَنِ هَذِهِ الدَّارِ الْمَقْدُورِ عَلَيَّ أَهْلِهَا الرِّوَالُ الْمَمْنُوعِ أَهْلِهَا مِنَ الْحَيَاةِ الْمُدَلَّلَةِ فِيهَا أَنْفُسُهُمْ بِالْمَوْتِ فَلَا حَى يَطْمَعُ فِي الْبَقَاءِ وَلَا نَفْسٌ إِلَّا مُدْعِنَةٌ بِالْمَنْوَنِ وَلَا يَعْلَلُكُمْ الْأَمَلُ وَلَا يَطُولُ عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ وَلَا تُغْرَوُا مِنْهَا بِالْأَمَالِ» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۶۱)، پس عزم کوچیدن کنید، از این خانه‌ای که فنا و نیستی بر اهل آن مقدر شده و از ادامه حیات ممنوع شده‌اند. همان خانه‌ای که جان اهلش در آن به مرگ، خوار می‌گردد؛ که زنده‌ای نیست که طمع در ماندن داشته باشد و نفسی نیست جز اینکه به مرگ اعتراف دارد. بنابراین آرزوها سرگرم‌تان نسازد و روزگاران و دوران فترت بر شما دراز ننماید و با داشتن آرزوها فریب آن مخورید.

امام خمینی [در کتاب «شرح چهل حدیث» خود همین معنا را برای «طول أمل» ذکر می‌کند: «باید دانست که از موانع بزرگ این تیقظ و بیداری، که اسباب نسیان مقصد و نسیان لزوم سیر شود و اراده و عزم را در انسان می‌میراند، آن است که انسان گمان کند وقت برای سیر، وسیع است؛ اگر امروز حرکت به طرف مقصد نکند، فردا می‌کند، و اگر در این ماه سفر نکند، ماه دیگر سفر می‌کند. و این حال طول أمل و درازی رجاء و ظن بقا و امید حیات و رجاء سعه وقت، انسان را از اصل مقصد، که آخرت است و لزوم سیر به سوی او و لزوم أخذ رفیق و زاد طریق باز می‌دارد و انسان به کلی آخرت را فراموش می‌کند و مقصد از یاد انسان می‌رود» (موسوی الخمینی، ۱۳۸۸: ۱۷۵).

۴-۱-۲- طول أمل و تسویف

بزرگان اهل لغت، «تسویف» را به تأخیر انداختن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۶۴/۹) معنا کرده‌اند. اما صاحب «تاج العروس» علاوه بر این معنی، استعمال تسویف را غالباً برای وعده‌هایی می‌داند که پایانی برای آنها نیست (حسینی زبیدی، ۱۲: ۱۴۱۴/۱۶۸۹).



«تسویف» به این معنی است که انسان انجام کاری را به تأخیر بیندازد و برای آن امروز و فردا کند؛ از دیدگاه شهید مطهری، «تسویف» یعنی سوف سوف کردن و کارها را به تأخیر انداختن با فرض اینکه فرصت و عمر، باقیست (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

این مستلزم آن است که فرد، وقت را وسیع ببیند و فکر کند که برای انجام دادن آن کار فرصت بسیار است و به بیانی دیگر، مرگ را دور ببیند و نفس، او را با وعده اینکه زنده خواهد بود، بفریبد. فرقی نمی‌کند که آن کار، فردی باشد یا مربوط به اجتماع، برای رفع نیاز دنیوی یا پیش‌برد اهداف متعالی باشد یا انجام طاعات و عبادات؛ یا حتی دست برداشتن از کاری زشت و برگشتن به راه راست.

«تسویف»، مانع حرکت انسان به سوی اهداف خویش است و همواره آنچه برای او باقی می‌گذارد، حسرت و پشیمانی است. چنان‌که در خبر آمده است اکثر ناله اهل دوزخ از «تسویف» است (ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۹: ۱ / ۲۷۶).

مولی الموحّدین علی علیه السلام می‌فرمایند: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْأَجْرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَيَسْوِفُ التَّوْبَةَ بِطَوْلِ الْأَمْلِ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا يَقُولُ الزَّاهِدِينَ وَيَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاغِبِينَ» (حرّانی، ۱۴۰۴: ۱۵۷)، از کسانی مباش که بدون هیچ عملی به آخرت امید بسته و با آرزوهای دراز، توبه را به عقب می‌اندازد. درباره سرای دنیا چون زاهدان سخن گوید ولی همچون دنیاپرستان عمل کند. این حدیث حال کسانی است که دوست دارند اهل بهشت باشند، اما برای رسیدن به آن تلاشی نمی‌کنند و با تصوّر اینکه وقتشان وسعت دارد و مرگ به سراغشان نمی‌آید؛ توبه را به تأخیر می‌اندازند. اینان قطعاً دچار «طول امل» شده‌اند. این کلام نورانی به وضوح، رابطه بین «تسویف» و «طول امل» را نشان می‌دهد.

به عقیده شهید مطهری، «طول امل» همان روحیه تزییع وقت است؛ به امید اینکه آدمی کار خود را در آینده طولانی جبران کند؛ همان آینده‌ای که نمی‌تواند اطمینان داشته باشد در ساعت بعد و لحظه بعد چه بر سرش می‌آید (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۲ / ۱۰۴). اخباری که در نهی از «تسویف» وارد شده، همه مفسّر «طول امل» مذموم است. پس «طول امل»، همان «تسویف» به «امل» است. یعنی فرض ادامه وقت و فرصت و دور دانستن احتمال مرگ و بیماری و علامه مجلسی نیز در «بحار الأنوار»، «طول امل» را عامل تسویف و به تأخیر انداختن اعمال نیک و طلب علم معرفی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۱۶۱).

پیامبر رحمت ﷺ خطاب به ابوذر می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالتَّسْوِيفَ بِأَمْلِكَ فَإِنَّكَ بِيَوْمِكَ وَسُتَ بِمَا بَعْدَهُ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱/ ۱۱۴)، زینهار! بپرهیز! از اینکه با آرزو، کارهایت را به تأخیر بیندازی. چرا که تو در امروز هستی و از بعد آن خبر نداری.

برای همین است که در قرآن کریم همه انسان‌ها به سبقت گرفتن از یکدیگر در کارهای خیر و حرکت به سوی غایت خلقت، امر شده‌اند. چرا که انسان موّحد همیشه باید فرصت را کوتاه و اجل را نزدیک ببیند و خوف داشته باشد که شاید لحظه‌ای دیگر نباشد. پس تا دیر نشده، باید بشتابد. ﴿سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۳)، بشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی که پهنای آن همه آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته و مهیا برای پرهیزکاران است.

در کلام امیرالمؤمنین ﷺ هر که این‌گونه باشد، بیشتر به عمل می‌پردازد و وقت را تنگ می‌شمرد و آرزویش را کوتاه می‌کند: «مَنْ أَيْقَنَ أَنَّهُ يَفَارِقُ الْأَحْبَابَ وَيَسْكُنُ التُّرَابَ وَيُوجِهُهُ الْجِسَابَ وَيَسْتَعِينِي عَمَّا يَخْلَفُ وَيَفْتَقِرُ إِلَىٰ مَا قَدَّمَ كَانَ حَرِيًّا يَقْصِرُ الْأَمَلَ وَطُولَ الْعَمَلِ» (نوری، ۱۴۰۸: ۲/ ۱۱۰)، هر کس یقین کند از دوستان جدا می‌شود و در خاک جای می‌گیرد و باید حساب بدهد و از آنچه گذاشته فایده‌ای نمی‌برد و در آینده نیازمند می‌گردد، سزاوار است که آرزو را کوتاه کند و بر کردارش بیفزاید.

با توجه به احادیث ذکر شده، «تسویف» و «طول‌أمل»، تنها مربوط به فردا و پس فردا انداختن کارها نیست. بلکه اگر انسان ساعتی دیگر و یا حتی لحظه‌ای دیگر را جزء عمر خود بداند و به همین خیال، کاری مهمی را به ساعتی بعد موکول کند، دچار «تسویف» و «طول‌أمل» شده است. مثلاً نماز را بدون دلیل موجه، با همین وعده به تأخیر بیندازد. با عنایت به معنایی که در «تاج العروس» از «تسویف» آمده است، چنین انسانی معمولاً آن‌قدر به خود وعده می‌دهد که در آخر یا به آن کار نمی‌رسد و یا آن را نیمه‌کاره انجام می‌دهد. از مجموع این احادیث چنین برمی‌آید که «طول‌أمل» و «تسویف» در روی یک سکه و از مهلکات نفس‌اند. رذایلی که اگر در نفس راسخ شوند، سرمنشاء و مادر بسیاری از رذایل‌اند.



۳- پیامدهای طول امل

طول امل داشتن، فرصت زندگی را طولانی و مرگ را دور دیدن، قطعاً آثار فراوانی در اندیشه‌ها، اوصاف و اعمال انسان خواهد داشت. وقتی انسان مرگ را دور ببیند و تصور کند که وقت دارد تا خود را برای آن آماده یا برخی کارها و اهداف متعالی را دنبال کند، کم‌کم دچار روزمرگی شده و تمام انرژی و توانش را صرف امور دنیوی می‌کند. چنان‌که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «طُولُ الْأَمَلِ يَصْرِفُ هِمَمَكُمْ إِلَى الدُّنْيَا» (دیلمی، ۱۴۰۸: ۳۴۵)، آرزوی دراز، همت‌های شما را مصرف دنیا می‌کند.

چنین فردی با غرق شدن در دنیا و حریص شدن به آن، از خداوند بزرگ و یاد او غافل و به این غفلت راضی می‌شود. همانطور که حضرت صادق ﷺ می‌فرماید: «أَعْظَمُ الْفَسَادِ أَنْ يَرْضَى الْعَبْدُ بِالْغَفْلَةِ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى وَهَذَا الْفَسَادُ يَتَوَلَّدُ مِنْ طُولِ الْأَمَلِ وَالْجِرْصِ وَالْكَبَرِ» (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰، ۱۰۷)، عظیم‌ترین فساد این است که بنده به غفلت از خدای تعالی راضی شود و این فساد از طول امل و حرص و کبر زاده می‌شود.

وقتی انسان از خداوند غافل شد، مرگ و آخرت را به باد فراموشی می‌سپارد: «وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَجْرَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۸ / ۸).

و با اینکه هر روز مرگ دیگران را می‌بیند، آن را از خود دور می‌شمارد؛ گویی آن را انکار می‌کند: «عَجَبٌ كُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ أَنْكَرَ الْمَوْتَ وَهُوَ يَرَى مَنْ يَمُوتُ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ» (همان: ۳ / ۲۸۵).

مولی صالح مازندرانی منظور از انکار مرگ را در این حدیث، عمل نکردن به مقتضای علم به مرگ می‌داند. یعنی چنین شخصی برای مرگ آماده نمی‌شود و برای بعد از آن عملی انجام نمی‌دهد. پس تعجیل ورود مرگ را انکار می‌کند (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۴ / ۲۵۷).

فراموشی آخرت، باعث می‌شود فرد به جای عمل بر اساس عقل و فطرت، بر مدار شهوت و هوس حرکت کند و کم‌کم نور عقل در او رو به خاموشی بگذارد. امام کاظم ﷺ به هشام در همین مورد هشدار می‌دهند و تسلط سه چیز بر سه چیز را باعث یاری بر ویرانی عقل می‌شمرند. اولین این موارد و شاید مهم‌ترین آن، خاموش کردن نور تفکر به وسیله «طول امل» است: «يَا هِشَامُ مَنْ سَلَطَ ثَلَاثًا عَلَى ثَلَاثٍ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ مَنْ أَظْلَمَ نُورَ تَفَكُّرِهِ بِطُولِ أَمَلِهِ وَمَحَا طَرَائِفَ

حِكْمَتِهِ بِفُضُولِ كَلَامِهِ وَأَطْفَاءَ نُورِ عِبْرَتِهِ بِشَهَوَاتِ نَفْسِهِ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ هَوَاهُ عَلَيَّ هَدْمَ عَقْلِهِ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۷).

هنگاهی که نور عقل و تفکر در انسان به خاموشی گرایید، به جای تفکر در عالم نورانی آخرت، به تفکر در ظلمت دنیا می‌پردازد و به جای اندیشیدن در احوال مبدأ و معاد به امور زودگذر دنیا و تحصیل اسباب ظلمانی آن می‌اندیشد. در چنین حالی، قلب او آرام آرام سخت می‌شود. «قساوت قلب»، یکی از پیامدهای مهم و خطرناک «طول امل» است. آمده است که خداوند عزوجل به موسی ع فرمود: «يَا مُوسَى لَا تُطَوِّلْ فِي الدُّنْيَا أَمْلَكَ فَيَقْسُو قَلْبُكَ وَالْقَاسِي الْقَلْبِ مِثِّي بَعِيدٌ» (همان: ۲/ ۳۲۹)، در دنیا آرزوی خود را دراز مکن، تا دلت سخت شود که سخت‌دل از من دور است.

کلام گهربار دیگری از عمودالدین علی ع به روشنی رابطه «طول امل» و «قساوت قلب» را نشان می‌دهد؛ انسان قسی القلب، مشتاق دنیا است و از آنچه نزد خداست دوری می‌جوید: «مَنْ يَأْمَلُ أَنْ يَعْيشَ غَدًا فَإِنَّهُ يَأْمَلُ أَنْ يَعْيشَ أَبَدًا وَمَنْ يَأْمَلُ أَنْ يَعْيشَ أَبَدًا يَفْسُو قَلْبَهُ وَيَزْغِبُ فِي دُنْيَاهُ وَيَزْهَدُ فِيمَا الَّذِي وَعَدَهُ رَبُّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۰۶/۲)، هرکه آرزو کند که فردا را زنده باشد، پس دوست دارد که تا ابد زنده باشد و چنین کسی قلبش سخت شده و به دنیا رغبت پیدا می‌کند و از آنچه خداوند به او وعده داده، دوری می‌کند.

توجه به معنای «طول امل»، نشان می‌دهد که اصلی‌ترین راه درمان آن، توجه به مرگ و یاد آن است. شاید از این روست که یاد مرگ بسیار سفارش شده است. از این منظر، نگاهی نو به حدیث مشهور «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» می‌اندازیم. این کلام عمیق می‌فرماید برای امور دنیا اصل را بر بقا بگذار و دور اندیشی و آینده‌نگری و هدف‌های بلند مدت را فراموش نکن. اما از سوی دیگر برای امور آخرت اصل را بر عدم بقا در دنیا بگذار و جانب احتیاط را از دست نده. مرگ را نصب العین خود قرار ده و وقت را وسیع ندان و به سرعت پیش برو. مبدا «طول امل» تو را بفریبید و به تصور اینکه فرصت زیاد است، از پابنشین و به امور دانی و جزئی مشغول شوی.

مثل کسی که به خانه‌ای وارد می‌شود و می‌داند از آن بیرون خواهد رفت؛ اما وقت دقیق آن را نمی‌داند. عقل و فطرت حکم می‌کند کارهای لازم برای رفتن را انجام دهد، که اگر بانگ الرحیل برخاست، آماده باشد؛. از طرفی چون نمی‌داند چه وقتی خواهد رفت به سر و سامان دادن امور



خانه نیز بپردازد. عصاره این کلام در شعر زیبایی از حضرت امیرالمؤمنین [آمده است که به عنوان حسن ختام آورده می‌شود (میبدی، ۱۴۱۱: ۳۱۲):

يَا مَنْ يَدُنِيَا اَشْتَعَلُ الْمَوْتُ يَأْتِي بَعْتَهُ
وَ لَمْ تَزَلْ فِي غَفْلَةٍ قَدْ غَرَّهُ طُولُ الْأَمَلِ
وَ الْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ حَتَّى دَنَا مِنْكَ الْأَجَلُ

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه ذکر شد، داشتن آرزو، گرچه طولانی، در همه امور اگر با توجه به افق والای انسانیت و برای پیشرفت مادی و معنوی در مسیر رضای حق باشد، نه تنها مذموم نیست؛ بلکه نیکو و ممدوح است. هر چه این آرزو به امور والاتر و نورانی‌تر تعلق بگیرد، از ارزش بیشتری برخوردار است. اگر آرزو نباشد چرخ‌های حیات بشر از حرکت می‌ایستد. اما در این میان، آنچه انسان را در خود غرق می‌کند و سم مهلک انسانیت است، «طول‌أمل» است. طول‌أمل تنها به معنای داشتن آرزوی دور و دراز پوچ و دست‌نابافتنی نیست. بلکه براساس روایات متعدد، طول‌أمل، دور دیدن مرگ، وسیع دیدن وقت و در نتیجه، امهال در کارها و عقب انداختن آنهاست. به عبارتی اصل «دیر نمی‌شود» همان طول‌أمل است. «تسویف» و «طول‌أمل» ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و دو روی یک سکه‌اند. بر اساس کلام معصومین [، «غفلت از یاد خداوند»، «فراموشی مرگ و عالم آخرت»، «خاموش شدن چراغ عقل»، «قساوت قلب» و «خراب شدن عمل»، از آثار طول‌أمل هستند.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم؛
۲. ابن ابي فراس، ورام (۱۳۶۹ش)، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر معروف به مجموعه ورام، ترجمه: محمدرضا عطايي، مشهد: بنياد پژوهشهاي اسلامي آستان قدس رضوي.
۳. ابن اثير جزري، مبارك بن محمد (۱۳۶۷ش)، النهاية في غريب الحديث والأثر، تصحيح: محمود محمد طناحي، قم: موسسه مطبوعاتي اسماعيليان، چاپ چهارم؛
۴. ابن بابويه، محمد بن علي (۱۴۱۳ق)، من لا يحضره الفقيه، تصحيح: علي اكبر غفاري، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه: چاپ دوم؛
۵. ابن طاووس، علي بن موسى (۱۴۰۹ق)، اقبال الأعمال، تهران: دارالكتب الإسلامية، چاپ دوم؛
۶. ابن عباد، اسماعيل (مشهور به صاحب بن عباد) (۱۴۱۴ق)، المحيط في اللغة، تصحيح: محمد حسن آل ياسين، بيروت: عالم الكتاب، چاپ اول؛
۷. ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاييس اللغة، تصحيح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتب الأعلام الاسلامي؛
۸. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تصحيح: جمال الدين مير دامادي، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع - دارصادر، چاپ سوم؛
۹. أزهرى، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، تهذيب اللغة، بيروت: داراحياء التراث العربى، چاپ اول؛
۱۰. تميمي آمدى، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحكم و درر الكلم، تصحيح: سيد مهدي رجائي، قم: دارالكتاب الإسلامى، چاپ دوم؛
۱۱. تهبانوى، محمدعلى بن على (۱۹۹۶م)، كشاف اصطلاحات الفنون، تصحيح: على دحروج، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون، چاپ اول؛
۱۲. جعفر بن محمد (منسوب به ايشان)، امام ششم (۱۴۰۰ق)، مصباح الشريعة، بيروت: اعلمى، چاپ اول؛
۱۳. جوهرى، اسماعيل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح، تصحيح: احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دارالعلم للمالين، چاپ اول؛
۱۴. حرّ عاملى، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشيعة فى تحصيل مسائل الشريعة، تصحيح: مؤسسه آل البيت (ع)، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول؛

۱۵. حزانى، حسن بن على ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تصحيح: على اكبر غفارى، قم: جامعه مدرسين حوزة علميه، چاپ دوم؛
۱۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحيح: على هلالی و على سیری، بیروت: دارالفکر، چاپ اول؛
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۵/۲۸)، «سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، سایت رسمی حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای؛
۱۸. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، الهدایة الكبرى، بیروت: البلاغ؛
۱۹. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، تصحيح: مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت، چاپ اول؛
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تصحيح: صفوان عدنان داوودی، بیروت و دمشق: دارالقلم و الدار الشامیة، چاپ اول؛
۲۱. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، مصباح المتجهد و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، چاپ اول؛
۲۲. _____ (۱۴۱۴ق)، الأملی، تصحيح: مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافة، چاپ اول؛
۲۳. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دارالآفاق الجديدة، چاپ اول؛
۲۴. علی بن الحسین، امام چهارم (۱۳۷۶ش)، الصحیفة السجادیة، قم: دفتر نشر الهادی، چاپ اول؛
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم؛
۲۶. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، مصباح المنیر غریب الشرح الکبیر، قم: موسسه دارالهجرة، چاپ دوم؛
۲۷. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد (۱۴۰۹ق)، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، تصحيح: محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول؛
۲۸. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲ق)، الزهد، تصحيح: غلامرضا عرفانیان یزدی، قم: المطبعة العلمیة، چاپ دوم؛
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحيح: على اكبر غفارى و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم؛

۳۰. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح: حسین حسنی بیرجندی، قم: دارالحديث، چاپ اول؛
۳۱. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، (۱۳۸۲ق)، شرح الکافی (الأصول و الروضة)، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، تهران: المكتبة الإسلامية، چاپ اول؛
۳۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تصحیح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم؛
۳۳. ———، (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم؛
۳۴. ———، (۱۴۲۳ق)، زاد المعاد (مفتاح الجنان)، تصحیح: علاء الدین اعلمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول؛
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ش)، مجموعه آثار، تهران: صدرا، چاپ اول؛
۳۶. ———، (۱۳۸۹ش)، گفتارهایی در اخلاق اسلامی، تهران: صدرا، چاپ اول؛
۳۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الأمالی، تصحیح: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول؛
۳۸. موسوی الخمینی، روح الله (۱۳۸۸ش)، چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم؛
۳۹. میبیدی، حسین بن معین الدین (۱۴۱۱ق)، دیوان أميرالمؤمنین، تصحیح و ترجمه: مصطفى زمانی، قم: دار نداء الإسلام للنشر، چاپ اول؛
۴۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تصحیح: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت، چاپ اول؛
۴۱. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق)، منهج البراعة في شرح نهج البلاغة، تصحیح: ابراهیم میانجی، مترجمان: حسن حسن زاده املی و محمدباقر کمره‌ای، تهران: مكتبة الإسلامية، چاپ چهارم؛